

بجنگ تا بجنگیم!

خیزش، اعتلای انقلابی، انفجار خشم میلیون ها نفر در سراسر ایران: هر اسمی روی وقایع این روزها بگذارید فرقی نمی کند. مهم اینست که جامعه به طور قطع وارد يك مرحله جدید شده است. خیلی از پل ها پشت سر خراب شده و در خیلی از زمینه ها برگشتی در کار نیست. دختران و پسران جوانی که شجاعانه در خیابان می رزمند، نارضایتی و خشم انباشته سه نسل را به نمایش می گذارند. چهره ها خون آلود است و تن ها کبود، اما هیچکس از عقب نشینی و پا پس کشیدن حرف نمی زند. مزدوران تا به دندان مسلح و گله های اوپاش در خیابان ها چرخ می زنند ولی هیچکس برای آنان تره خرد نمی کند. پدران و مادران شب ها در کنار فرزندانشان به خیابان می آیند. بهت و سرخوردگی اولیه، به سرعت ناپدید می شود.

رسوایی جمهوری اسلامی در بازی فریبکارانه انتخابات، موثرتر و سریعتر از هر بحث و استدلال سیاسی، ایده "امکان اصلاح و تغییر رژیم از درون" را در ذهن میلیون ها نفر دود کرد و به هوا فرستاد. جناح حاکم با این کار دست به قمار بزرگی زد. اکنون بسیاری از جوانان شورشگر، به راه و روش هایی فکر می کنند که واقعا بتوان این رژیم جنایتکار را از سر راه کنار زد.

دانشجویان به زهرا رهنورد که دیروز به دانشگاه رفته بود تا آنان را آرام کند جواب دندان شکنی دادند و گفتند: ما برای ریاست جمهوری موسوی به میدان نیامده ایم؛ ما برای شکستن کودتا و درهم ریختن بساط دیکتاتورها به میدان آمده ایم.

این جناح اکنون سعی می کند با شعار "الله اکبر و رنگ سبز" زنجیرهای خود را بر ذهن مردم بیندازد و انرژی و خلاقیت آنان را به مرداب مذاکرات خود با "رهبر" و باند حاکم حکومت سرازیر کند. این وضعیت وظیفه ای عاجل در مقابل همه جوانان و زنان و کارگران شجاع و آگاه می گذارد که در مبارزات خیابانی با شعارها و اطلاعیه هائی شرکت کنند که افق و چشم انداز توده های مردم را به حداکثر ممکن گسترش دهد. زیرا این، پیش شرط ادامه راه و نیفتادن به بیراهه هائی است که جناح های مختلف هیئت حاکمه در مقابل مردم می گذارند. اکنون شعارهای خیزش باید از چند شعار محدود و رایج که دیکتاتورها (احمدی نژاد و خامنه ای) و رسوایی هایشان را نشانه گرفته فراتر برود و شعارهای مناسب دیگری به آنها اضافه شود:

ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم!
سلطنت اسلامی، نمی خواهیم، نمی خواهیم!
جمهوری اسلامی، نمی خواهیم، نمی خواهیم!
حکومت مذهبی نمی خواهیم، نمی خواهیم!
توپ تانک بسیجی، دیگر اثر ندارد!
تنها ره رهایی، پیگیری! پایداری!
فقر، فساد، بیکاری = جمهوری اسلامی!
حجاب اجباری، نمی خواهیم! نمی خواهیم!

لبه تیز خیزش مردم علیه باند تبهکار احمدی نژاد و صحنه گردانان اصلی که پشت او قرار دارند (بخشی از سرمایه داران بزرگ و سران سپاه و وزارت اطلاعات، و بخشی از دستگاه روحانیت شیعه) است. اما اشتباه بزرگی است اگر کل این نظام را به کودتاچیان امروز محدود بدانیم. همه جناح های حکومت، منجمله جریان موسوم به "اصلاح طلب" در جنایات و چپاولگری سی ساله شریکند. به جان هم افتادن گرگ ها، هیچ تاثیری در ماهیت ضد مردمی این جناح ها ندارد. اما انشقاق درون جمهوری اسلامی که در نوع خود بیسابقه است موجب بهم ریختن انسجام درونی رژیم شده و جمهوری اسلامی را در مقابل مردم ضعیف تر کرده است.

ژست های سرکوبگرانه احمدی نژاد و هم پالگی هایش صرفاً از روی استیصال است. مردم باید از ضعیف شدن دستگاه جمهوری اسلامی بحد اکثر سود جویند و ضربات کاری بر پیکره این رژیم وارد نمایند. زنان و جوانان و کارگران و معلمان باید خواست ها و حقوق خود را بدست خود عملی کنند. بطور مثال، زنان می توانند و باید در عمل حجاب اجباری را لغو کنند و با ایجاد هسته های وظیفه ستاد رهبری کننده مبارزات رهائی بخش زنان را بر عهده گیرند. دانشجویان چپ می توانند و باید با تماس گیری های سراسری یک ستاد هماهنگ کننده برای رساندن اخبار مبارزاتی، رهنمودها و شعارهای خود به گوش مردم، تشکیل دهند. ما نمی توانیم اجازه دهیم که موسوی و جناح اصلاح طلب تبدیل به "ستاد" رهبری کننده مبارزات مردم شوند. تبدیل شدن این جناح به "نماینده" مردم ضربه سنگینی به موج آزادیخواهانه کنونی خواهد بود. ما نیازمند ستادهای انقلابی خود هستیم. چنین ستادهایی هر چند کوچک، اما فعال، می توانند شالوده یک تشکیلات سراسری دانشجویی گردند. کارگران کارخانه های مختلف از اهواز و هفت تپه تا کرج و اراک و تبریز می توانند و باید بسرعت هسته های اولیه تشکلات کارگری خود را بنیان نهند و قبل از هر چیز تبدیل به صدای عمومی مردم علیه جمهوری اسلامی شوند. آنان می توانند با طرح خواست ها و شعارهای درست صدای واقعی مردم شوند و آگاهی عمومی آنان را به ورای "موسوی یا احمدی نژاد" ببرند و به مردم توضیح دهند که "موسوی یا احمدی نژاد" یعنی همان جمهوری اسلامی که سی سال تجربه کردیم.

مبارزین کمونیست و آزادیخواه نسل گذشته می توانند و باید نقش موثری در رابطه با این دو وظیفه ایفا کنند: یکم، وظیفه ی فراتر بردن آگاهی و چشم انداز مردم از حصار تنگ و محدود اصلاح طلبان؛ و دوم، تبدیل رشته های پیوند ابتدایی امروزی که در خیابان ها و در بطن مبارزه برقرار می شود به رشته های پیوند دائمی تر (در هسته ها و شبکه های کوچک و بزرگ). شک نیست که هسته فعال و نیروی ضربت این پروژه سیاسی پیشرو و انقلابی را باید دختران و پسران دانشجو و کارگران جوان محلات و کارخانه ها تشکیل دهند.

مردم باید بدانند که موسوی، خاتمی، رفسنجانی و بطور کل جناح "اصلاح طلب" حکومت در حال مذاکرات پشت پرده با "رهبر" و سران نظامی و امنیتی است تا مانع از فروپاشیدن ساختار جمهوری اسلامی در مقابل خشم مردم شوند. مردم باید بدانند که رایزنی های پشت پرده میان سران جمهوری اسلامی و قدرت های جهانی و منطقه ای (مانند چین، اتحادیه اروپا، ترکیه و آمریکا) در جریان است تا "ماجرای بطور صلح آمیز فیصله یابد". مسئله عمده آمریکا باز گشودن باب مذاکره با جمهوری اسلامی برای حل مسئله افغانستان و پاکستان است. باراک اوباما در سخنرانی کلیدی خود در مصر (که حتماً از "حجاب اسلامی" تعریف و تمجید کرد) تاکید کرد که مشکلی با جمهوری اسلامی ندارد. آمریکا در حال حاضر، خواهان "بهم خوردن" ساختارهای حاکمیت جمهوری اسلامی نیست.

از همه این ماجراها یک نتیجه تعیین کننده و مهم می توان گرفت: مردم به قدرت خود پی برده اند. این قدرت تنها با سازمان یافتن می تواند تداوم بیابد. آگاهی مردم جهش وار در حال تکامل است. این آگاهی می تواند و باید تا حد چشم انداز سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و انجام انقلابی راستین که فشرده آمل و آرزوهای سرکوب شده اکثریت مردم ایران باشد، گسترش یابد.

احمدی نژاد در سخنرانی میدان ولیعصر، توده های به پا خاسته را "خش و خاشاک" نامید و پیام داد که "رودخانه زلال ملت" آنها را کنار خواهد زد! این حرف ها نشانه آن است که مبارزه جدی است و اگر می خواهیم تا آخر راه را طی کنیم باید تدارک ببینیم. رژیم و جناح های مختلف آن، مراکز سیاسی خود را برای سیاست ریزی و شعار پردازی و بازی دادن مردم دارند. مردم نیز باید ستادهائی برای تجزیه و تحلیل اوضاع سیاسی و سیاست ریزی برای تکامل آگاهی و ادامه مبارزات خود داشته باشند.

رژیم، ستادهای فرماندهی برای آرایش قوای نظامی و امنیتی جهت سرکوب مردم دارد. مردم نیز باید ستادهائی را برای هماهنگی و همبستگی و سازماندهی نیروهای خود را داشته باشند.

حزب کمونیست ایران (مارکسیست- لنینیست- مائوئیست)

۲۴ خرداد ۱۳۸۸